



کودک همسری در نظام حقوقی ایران با تکیه بر سلامت روانی

صنم ادیبی فر

دانشجوی کارشناسی، رشته حقوق، دانشگاه پیام نور مراغه، مراغه، ایران
sanamadibifar79@gmail.com

مختار بیداروند

مدرس، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور مراغه، مراغه، ایران (نویسنده مسئول)
mokhtar.bidarvand@ymail.com

محمد مهدی داداشی چکان

مدرس، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور مراغه، مراغه، ایران
mahdidsh@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: مقاله مذکور در رابطه با کودک همسری در نظام حقوقی ایران و علل و عوامل روانی آن است. اطلاعات به دست آمده از سایر مقالات و کتب علمی و همچنین مشاهدات عینی بافت جامعه در این زمینه جمع آوری و بررسی شده است.
روش تحقیق: در این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی و به صورت کتابخانه ای به بررسی آسیب های روانی موجود در کودک همسری پرداخته شده است.

یافته ها: در حال حاضر کودک همسری در ایران با رشد ۱۰٫۵ درصدی مواجه است. پژوهش ها حاکی از آن است که کودکان قربانیان این پدیده از بسیاری از حقوق خود به واسطه ازدواج محروم گشته و خسارات فراوان و گاه جبران ناپذیری به کودکان و جامعه وارد میکند.

نتیجه: تحقیقات نشان میدهد که عوامل مؤثر بر ازدواج کودکان بر شرایط روحی، روانی، اجتماعی و جسمانی کودک تأثیرات منفی بسیاری میگذارد. در این مقاله با بررسی علل و عوامل کودک همسری و تبعات روانی آن در کودکان، خشونت خانگی و جنسی، راهکار های عملی و مدنی برای پیشگیری از ازدواج های زود هنگام پرداخته شده است.

کلید واژه: کودک همسر، حقوق کودکان، ازدواج



مقدمه

ازدواج یک امر و حق طبیعی برای تمامی مردان و زنان جهان است. پیوند زناشویی سالم میتواند هم برای مردان و زنان و هم برای جامعه و فرهنگ یک کشور بسیار نیک باشد؛ اما این بدان معنا نیست که تمامی افراد جامعه صلاحیت تشکیل خانواده را داشته باشند.

کودکان یکی از این دسته افراد هستند که هنوز به مراتب افراد بزرگسال از درک و بلوغ فکری و حتی جنسی به تکامل نرسیده اند. کودکانی که خود هنوز در دنیای کودکی خود غرق اند. در ماده ۲۳ قانون حمایت از خانواده [۱۳۵۳] ایران قبل از انقلاب حدود سنی ازدواج برای دختران ۱۸ سال تمام و برای پسران ۲۰ سال تمام بود. که ازدواج در زیر سنین قانونی ذکر شده کاملاً ممنوع بود مگر در شرایط خاص با اذن ولی و اجازه دادگاه دختران ۱۵ سال تمام اجازه ازدواجشان صادر می شد ولی این تغییر برای پسران اعمال نشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۶۱ به دلیل پیروی از فقها؛ امکان ازدواج برای دختران ۹ ساله و پسران ۱۵ ساله فراهم شد. حدود ۲۰ سال بعد از این تاریخ در سال ۱۳۸۱ طرحی از سوی مجلس به شورای نگهبان فرستاده شد که خواستار اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران در خصوص سن ازدواج دختران و پسران و افزایش آن به ۱۳ سال تمام برای دختران و ۱۵ سال تمام برای پسران بود که با ایراد از سوی شورای نگهبان مواجه شد. اما با ارسال اطلاعیه مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ سن ازدواج برای دختران به ۱۳ سال تمام و پسران به ۱۵ سال تمام شمسایی افزایش یافت با این ویژگی که همچنان ازدواج کودک زیر سنین قانونی با اجازه ولی و مصلحت دادگاه امکان پذیر بود. قابل به ذکر است که طبق تحلیلی که از قرآن شده است جواز نکاح کودکان هیچ مبنای قرآنی ندارد و همچنین آیات قرآنی که درباره نقش و اهداف ازدواج وجود دارد دال بر نامعتبر بودن ازدواج کودکان است. بی شک ارجاع اختیار و تصمیم گیری مسئله مهمی چون ازدواج میتواند اثار منفی بسیاری داشته باشد چه بسا که والدین کودک با اجبار و فشار روانی کودک خود به به چاه بی برگشت کودک همسری سوق دهند و همچنین تشخیص سرنوشت کودک به واسطه یک جلسه پرسش و پاسخ قاضی دادگاه نمیتواند تضمین کامل و درستی برای ازدواج کودک باشد. آسیب های روانی بی برگشت کودک همسری بسیار زیاد است؛ اغلب این کودکان با از دست دادن فرصت تحصیل؛ از کشف استعداد های خود و همچنین رسیدن به تکامل فکری محروم می شوند. اغلب این کودکان بعد ها از کرده خود پشیمان و به طلاق روی می آورند. بسیاری منزوی؛ افسرده و پرخاشگر هستند. بارداری های زودرس کودکان و مرگ میر آنان و افسردگی های بعد از زایمان بی شک بر دوش کودکان سنگینی خواهد کرد. کودکان نمی تواند همانند بزرگسالان در شرایط سخت زندگی خود را وفق بدهد و در نتیجه به بسیاری از بیماری های روانی که اغلب خاموش اند و یا توجه ی به آن نمیشود دچار می شوند. بعد روانی کودک همسری سالهاست که به صورت علنی در جامعه کنونی پیداست. افزایش طلاق ها حاکی از آن است که بسیاری از این کودکان نافرjami خوشبختی خود را از ازدواج زود هنگام میدانند. کودک همسری نه تنها به کودکان بلکه به افراد بزرگسالی که در بطن جامعه زندگی میکنند نیز اثر خواهد کرد و با دیدن نافرjami چنین ازدواج ها؛ میل ازدواج در آنها نیز کاهش پیدا خواهد کرد. دولت میتواند با استفاده از جلسات مشاوره قبل از ازدواج و فرهنگ سازی های درست در جامعه و همچنین تغییر قانون ۱۰۴۱ قانون مدنی از این فاجعه در حال افزایش جلوگیری کرده و بسیاری از کودکانی که به صورت قانونی یا غیر قانونی به عوامل و علت های گوناگونی چون فرهنگ اشتباه، فقر، جنگ و ... را نجات دهد. بی شک کیفیت داشتن افراد با سواد و با فرهنگ در جامعه نسبت به کمیت افراد جامعه بسیار مهم تر است. با ازدواج کودکان و بارداری های زود به هنگام آنها، تنها با مادران و پدرانی مواجه هستیم که هنوز صلاحیت تربیت کودکان خود را به علت سن و نا آگاهی خود ندارند و چقدر ممکن است این امر به سلامت یک جامعه آسیب بزند. کودکانی که بزه کار می شوند یا به علت ازدواج اشتباه و زود هنگام والدینشان به دنیایی پا میگذارند که خود به تنهایی همراه پدر و مادرانشان رشد کرده و بزرگ شوند. ازدواج امر بسیار مهمی است که انجام وظایف زناشویی و ملزومات آن پس از ازدواج در تحکیم یک رابطه سالم نقش بسزایی دارد که بی شک یک کودک نه توان عقلی



و نه توان جنسی و جسمی در برابر آن را ندارد. ایجاد سیاست گذاری های صحیح در جهت فرهنگ سازی لغو و ممنوعیت کودک همسری میتواند نکته عطفی برای کودکان این مرز و بوم باشد.

۱- تعاریف و مفاهیم کودک و کودک همسری

در کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد سال (۱۹۸۹) به هر انسانی که زیر هجده سال تمام باشد کودک گفته می شود؛ مگر آنکه سن قانونی کمتری برای رشد او تعیین شده باشد. [۱] در نظام حقوقی ایران تعریف دقیقی از کودک ارائه نشده و تنها به میزان سن کیفری وی اشاره شده است. در اسفند سال ۱۳۷۲ پیمان نامه حقوق کودک در ایران امضا و تصویب گردیده است. این در حالی است که هم اکنون تنها کشور ایران و سودان است که با قطعنامه منع ازدواج کودکان مخالفت کرده است. قابل ذکر است که محدوده این پیمان نامه از دوره بعد تولد است و آیا جنین شامل حقوق کودک میشود یا خیر مسئله مهم قابل بحث در بسیاری از کشور های عضو این پیمان نامه می باشد. خارج از اختلافات موجود بر سر تحت پوشش گرفتن جنین از حقوق کودک؛ کشور هایی از جمله ایران حمایت های پراکنده ای در خصوص حق حیات و حق سلامت جنین که ضمانت اجرای کیفری آن به شکل ممنوعیت سقط جنین است؛ دارند. کودک همسری یا ازدواج کودک نوعی از پیوند زناشویی است قبل از رسیدن فرد به سن هجده سال تمام که به صورت رسمی یا غیر رسمی صورت می گیرد. سازمان ملل متحد: کودک همسری را ازدواج کودکان به هر نوعی در زیر سن ۱۸ سال تمام که دختر یا پسر به لحاظ جسمی و روانی آمادگی پذیرش مسئولیت های زناشویی را ندارند؛ اطلاق میکند. در حقوق ایران با استناد بر تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی؛ سن بلوغ در پسران ۱۵ سال و در دختران ۹ سال تمام قمری می باشد. قابل به ذکر است که در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ آمده است که: کلیه اشخاص که به سن ۱۸ سال تمام هجری شمسی نرسیده اند مشمول حمایت های قانونی مذکور در این قانون هستند. ازدواج زود هنگام کودکان در ایران به گونه های مختلفی صورت می گیرد. ناف بری یکی از آن نوع هاست که بیشتر در منطقه آذربایجان شرقی دیده می شود. در این پدیده کودکان دختر بعد از تعیین جنسیتشان و قبل از تولد به نامزدی مردان طایفه در آورده میشوند. [۳]. اغلب این ازدواج های طبق رای والدین و فرهنگ اشتباه و عواملی مختلفی نظیر فقر صورت می گیرد اما این تمام ماجرا نیست طبق پژوهش های صورت گرفته برخی کودکان به تصمیم خودشان تن به ازدواج می دهند. وجود فرهنگ اشتباه باعث می شود کودکان زیر ۱۸ سال برای دریافت اعتبار و مقبولیت در خانواده و رسیدن به حقوق عادی زندگی خواستار ازدواج زود هنگام هستند. اما دقیقی از میزان کودک همسری در کشور وجود ندارد اما طبق آخرین آمار؛ مرکز آمار ایران نشان می دهد که در ۵ سال اخیر بیش از ۱۳۱ هزار کودک دختر زیر ۱۵ سال در کشور ازدواج کرده اند. همچنین در یک سال گذشته با بازه ۹ ماهه ۳۰ هزار کودک زیر ۱۵ سال در کشور ازدواج کرده اند در حالی که آمار واقعی بسیار بیشتر از این ارقام می باشد. عمده توجه و بررسی ازدواج کودکان در بسیاری از کشور ها و سازمان های بین المللی مربوط به دختران است اما طبق آمار سازمان یونسکو در سال ۲۰۱۹؛ ۲۰ درصد و پانزده مرد در جهان زیر سن ۱۸ سال تمام ازدواج کردند. قابل به ذکر است؛ طبق آمارهای مرکز آمار ایران به دست آمده نشان می دهد که طی ۵ سال برنامه ششم توسعه ۱۶۲ کودک پسر زیر ۱۵ سال ازدواج کرده اند که همچنین طی همان مدت بیش از ۱۳۰ هزار پسر بین ۱۵ تا ۱۹ سال ازدواج کرده اند. توجه و تلاش برای فرهنگ سازی موجب شده است که در طی دهه های اخیر در جهان آمار کودک همسری نیز کاهش چشم گیری یابد اما با این حال آمار و ارقام های اسفناک همچنان در اغلب کشور ها وجود دارند.

۲- قانون مدنی و تغییرات آن در طی زمان در خصوص ازدواج کودکان

در نخستین قانون مدنی مصوب سال ۱۳۱۳ که مانند سایر قانون های کشور به پیروی از قانون فرانسه نوشته شده بود سن ازدواج برای دختران ۱۵ سال تمام و برای پسران ۱۸ سال تمام در نظر گرفته شده بود. اما با وجود استثنائاتی که برای معافیت از این



قانون وجود داشت؛ اجازه نکاح تحت هیچ شرایطی به دختران زیر ۱۳ سال و پسران زیر ۱۵ سال داده نمی شد. سالها بعد طبق اصلاحاتی که در سال ۱۳۵۳ با تصویب قانون حمایت از خانواده صورت گرفت؛ سن ازدواج برای دختران به ۱۸ سال تمام و برای پسران ۲۰ سال تمام افزایش یافت. در این میان دختران با رعایت مصلحت ولی و با اجازه دادگاه میتواند در سن ۱۵ سال تمام نیز ازدواج کنند ولی تغییری در حداقل سن ازدواج مردان نشد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تغییر در یکسری از قوانین از جمله قانون مدنی سن ازدواج برای دختران به ۹ سال تمام قمری و ۱۵ سال تمام قمری برای پسران کاهش یافت. گرچه این اصلاحیه کاملا طبق نظر و مصلحت فقها صورت گرفته بود؛ مجلس شورای اسلامی ایران به دلیل تبعات منفی ازدواج زود به هنگام در جامعه خواستار افزایش سن ازدواج به ۱۳ سال تمام شد؛ اما با ایراد شورای نگهبان مواجه شد. بعد از آن اصلاحیه مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شد که با مقداری تعدیل به این صورت زیر به تصویب رسید. (عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت تشخیص مصلحت دادگاه) با اینکه افزایش سن ازدواج صورت گرفته بود اما همچنان امکان ازدواج زیر سن قانونی برای کودکان وجود داشت؛ کودکانی که در این سنین از نظر بلوغ فکری و عاطفی به سطح قابل قبولی نرسیده اند و حتی تحصیلات اکادمیک خود را به پایان نرسانیده اند؛ بار مسئولیتی بزرگ را به دوش خود متحمل می شوند. با این حال کودک همسری یک پدیده جهانی است و در تمام نقاط جهان یافت می شود.

۳- علل و عوامل پدیده کودک همسری

۳-۱. باورها و فرهنگ غلط

پوشیده نیست که باور ها و اعتقادات فردی چقدر در زندگی افراد نقش پر رنگی دارد. اغلب دلایلی که اذن ازدواج کودکان در یک خانواده توسط والدین داده می شود مصنون نگه داشتن کودک از خطراتی احتمالی مورد توجه والدین است. بی شک که این کار از چاله به چاه افتادنی بیش نیست اما متأسفانه در جامعه کنونی هنوز باورهای غلط نقش به سزایی در کودک همسری دارند. براساس فرهنگ جامعه ایرانی، برقراری رابطه جنسی تا پیش از ازدواج، تابوی نظام اخلاقی و اجتماعی تلقی میشود. براساس همین ملاحظات اخلاقی و حفظ آبرو است که خانواده ها به خود میبالند که میتوانند زودتر از اطرافیان برای دختران نابالغان عروسی بگیرند، اما ترس اصلی حفظ آبروست. همبالینی دختران و دوست شدنشان با جنس مخالف نوعی رسوایی است که گریبانگیر خانواده دختر میشود. کودکانی که به رقم فرهنگ و باور اشتباه برای حفظ باکرگی مجبور به ازدواج در سنین پایین می شوند که نه تنها درک کاملی از باکرگی واقعی ندارند بلکه قربانی یک فرهنگ اشتباه اند. فرهنگی که به جای توجه به سلامت روانی و جسمی کودکان؛ آنها را بخاطر آبرو خیالی به نام پرده بکارت زندانی یک ازدواج ناسالم می کند. بدیهیست که وجود پرده بکارت در علم با آنچه میان مردم در یک فرهنگ اشتباه وجود دارد بسیار متفاوت است. طبق مطالعات بسیاری که در بستر جهانی صورت گرفته پرده بکارت یک حفاظ سر بسته که قابلیت پارگی داشته باشد نیست بلکه یک بخش از غشاء مخاطی است که دهانه خارجی واژن را احاطه می کند یا تا حدی می پوشاند. افراد زیادی معتقد اند که پرده بکارت یک حفاظ کاملا محکمی است که با اولین رابطه جنسی پاره می شود اما این در حالیست که بسیاری از کودکان دختر عملاً بدون پرده بکارت متولد می شود. با معاینه غشای واژن نمی توان به داشتن یا نداشتن فعالیت جنسی پی برد. برای مثال یک مطالعه بر روی ۳۶ نوجوان باردار که در سال ۲۰۰۴ منتشر شده، نشان داد که کارکنان بهداشتی فقط در دو مورد توانستند نشانه قطعی رابطه جنسی واژینال را تشخیص بدهند. مطالعه دیگری که مورفولوژی پرده بکارت را در دختران دارای رابطه جنسی با دختران بدون رابطه جنسی قبلی مقایسه کرد نشان داد ۵۲ درصد از دخترانی که دارای رابطه جنسی بودند هیچ گونه تغییری قابل تشخیصی در بافت پرده بکارت خود نداشتند. سازمان جهانی بهداشت و سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۸ در بیانیه ای مشترک آزمایش باکرگی را فاقد پشتوانه علمی اعلام و آن را به عنوان یک اقدام ضد حقوق بشر محکوم کردند و خواستار توقف آن شدند. [۶] در سال ۲۰۲۲ نیز بریتانیا



دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت شهری حقوقی پزشکی فراروی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



هرگونه عملی تحت عنوان ادعای انجام آزمایش بکارت برای دیگران یا ترمیم بکارت را در تمام بخش های بریتانیا و اتباع آن در خارج از بریتانیا غیرقانونی اعلام و مجازاتی تا ۵ سال زندان و جریمه نقدی برای مجرمان تعریف کرد. کودکانی که مجبور اند قبل از ازدواج گواهی پرده بکارت بدهند؛ عملی که سلامت روانی هر دختری چه در سنین کم و چه در سنین بالا به خطر می اندازد زیرا این عمل ریشه در بی اعتمادی در پاکدامنی یک دختر است. این نقد مطرح است که اگر باکرگی به معنای نداشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج است؛ چرا آزمون این به اصطلاح پاکدامنی شامل حال مردان نمی باشد؟ آیا مردان مجاز اند که در چهارچوبی غیر از ازدواج تجربه جنسی داشته باشند اما زنان جز در این قالب؛ مصداق ناپاکی اند؟! باور غلطی دیگری که در یک فرهنگ اشتباه وجود دارد مرد سالاریست. در چنین جامعه ای اصولاً برابری جنسیتی وجود ندارد. در فرهنگ مردسالار، زن «جنس دوم» به حساب می آید که از حقوق چندانی برخوردار نیست. در عوض، نگرش های «ضد زن» رواج گسترده تری دارد. در فرهنگ مذکور، پسران «رها» و دختران «در بند» هستند. در جامعه مرد سالار دختران و زنان در زیر سایه کلمه ناموس و ابرو به اسارت در می آیند؛ بسیاری از آنان برای کوچک ترین حقوق خود مانند حق انتخاب پوشش، دوست، رشته تحصیلی، شریک زندگی و دیگر مسایل مربوط محروم اند. بسیاری از این دختران حق تصمیم گیری در زندگی خویش را ندارند و پدر؛ همسر و حتی برادر آنها در بدیهی ترین مسایل زندگیشان به جای نقش حمایت گر؛ به سان زندان بانانی هستند که شادی و آزادی دخترانشان را به یغما می برند. دختران در چنین شرایطی توانایی بیان مشکلات و نظر خود را در باره زندگیشان ندارند زیرا مصلحت پدر با قدرت وی آمیخته شده و زنان و دختران خانواده کاری جز اطاعت بی چون و چرا از پدر و برادر خانواده نمی توانند انجام دهند. آنها صرفاً کودک همسرانی هستند که وظیفه ای جز مادری و زنانگی انحصاری ندارند بی هیچ رویا و استقلالی! بی شک بسیاری از افراد مجرد در یک جامعه ای با فرهنگ اشتباه مقبولیتی ندارند، سالها به افراد مجرد چه زن و چه مرد خانه ای داده نمی شد. گویا که ازدواج حتی در سنین پایین تنها راه رسیدن به مقبولیت در یک جامعه است. اغلب افرادی که مخالف کودک همسری هستند معتقد اند؛ بسیاری از ازدواج های زود هنگام کودکان ریشه در اجبار دارد؛ در حالی که این فقط نیمی از تمام ماجراست. بسیاری از دختران در بافت دینی و فرهنگی برای رسیدن به حقوق خویش با اراده و خواست خود تن به ازدواج می دهند. زیرا تنها راه قبول آنها به عنوان یک انسان مستقل در جامعه همسر بودن است. پژوهش های بسیاری نشان می دهد که تعداد زیادی از دخترانی که در سنین پایین ازدواج کرده اند تنها به دلیل رهایی از محدودیت هایی که در خانه داشتند این تصمیم را می گیرند. قابل قبول بودن و پذیرش فرهنگی و اجتماعی ازدواج زود هنگام ممکن است در این زمینه نقش واسطه ای را ایفا کرده باشد. برای مثال کودکانی که زود ازدواج کرده اند ممکن است فکر کنند که تجربه شان صرفاً یک تکرار اجتماعی بی چون و چرا از چیزی بوده که مادران و خواهرانشان نیز برای نسل ها تجربه کرده اند. از عوامل سهمیم در ازدواج دختران، نگرش های جنسیتی تبعیض آمیزی است که روابط جنسی پیش از ازدواج را برای دختران مذموم تر دانسته و تمکین، فرزندآوری و کار در خانه را وظیفه زن میدانند، به دلیل همین نگرشها، تقریباً تمامی کودکان دختر در همان سال اول ازدواج صاحب فرزند میشوند؛ همچنین در این ازدواج ها بیش از 50 درصد از زنان مهارتی غیر از خانه داری نداشته اند.

۲-۳. رسوم و سنت اشتباه

امروزه در بسیاری از نقاط جهان از جمله ایران ازدواج در بین یک قبیله و یا عشیره صورت می گیرد. این ازدواج ها اصولاً از قبل تعیین شده و دختر و پسران انتخابی جز پذیرفتن آن ندارند. از نظر برخی از افراد ازدواج ترتیب داده شده شکلی از ازدواج اجباری است. در ازدواج اجباری یکی از طرفین و یا هر دو آن ها تحت ارباب؛ ترس و فشار؛ وادار به پذیرفتن می شود. ولی در ازدواج ترتیب داده شده هر دو از طرفین با اراده ازادانه و انتخاب خود تن به ازدواج می دهند. بنابراین ازدواج ترتیب داده شده به معنای ازدواج اجباری نیست زیرا در اولی زوجین امکان نپذیرفتن پیشنهاد ازدواج را دارند ولی در دومی خیر. با این حال تمایز بین



ازدواج اجباری و ازدواج ترتیب داده شده بسیار سخت است زیرا این دو بسیار به هم نزدیکند. از طرفی نیز نمی توان گفت دختر و پسر در ازدواج ترتیب داده شده کاملا با رضایت قلبی خود خواستار ازدواج هستند زیرا این گونه ازدواج ها اصولا بر پایه فشار اجتماعی و احساسی که از طریق والدینی که بخاطر عقاید اشتباه؛ خود را مالک فرزندان شان می دانند، صورت می گیرد. در چنین شرایطی حتی اگر دختر و یا پسر بنای مخالفت را بگذارد با واکنش های شدید و غیر اخلاقی از سوی خانواده مواجه می شود که در برخی از مناطق دنیا منجر به قتل های ناموسی می گردد. تبعیت از رسوم سنتی و باورهای خانوادگی، قومی و عشیره ای می تواند افراد را وادار به تطابق کند. از این لحاظ تمایز بین این دو شکل ازدواج هرگز آسان نبوده است زیرا دومین نوع آن به عنوان شکلی از خشونت خانگی که می تواند دامن گیر هر دوی کودکان و بزرگسالان باشد دیده می شود. از دیگر رسوم موجود در کشور ناف بری است. این نوع از ازدواج نوعی دیگری از ازدواج اجباری کودکان است به این صورت که دو نوزاد با رضایت والدینشان به نامزد یک دیگر در می آیند و قرار است در آینده زمانی که بزرگ شدند ازدواج کنند. باهم این رسوم در قسمت های مختلفی از ایران نظیر لرستان، خوزستان و سیستان و بلوچستان دیده می شود. مبادله زنان نیز نوع دیگری از رسوم غلط بین طایفه می باشد که هنوز نیز در جامعه ایران دیده می شود.

۵- عوامل اقتصادی و فقر

در سال های اخیر با توجه به شرایط اقتصادی کشور پدیده کودک همسری نیز افزایش داشته است؛ این ازدواجها در ایران به دلیل سطح اقتصادی پایین خانوادهها میباشد، این خانوادهها از طرفی ازدواج زود هنگام دختران را راهی برای بهتر شدن شرایط اقتصادی خویش میبینند تا از هزینه های خانواده کاسته شود و از طرف دیگر شیربها نیز انگیزه مالی والدین را برای تزویج کودکان افزایش میدهد؛ در برخی مناطق دختران کم سن بیشتر مورد توجه بوده و شیربها بسیار بالاتری دارند، به همین دلیل رویه های به نام خرید سن به وجود آمده که با پرداخت مبالغی، گواهی رشد را در سنین پایینتر خریداری می نمایند، در بعضی از مناطق حتی نوزادها در مقابل مبالغ اندک به اصطلاح «نافیر» میشوند. به عبارت دیگر بهتر است بگوییم برخی خانواده ها به نوعی کودکان خود را می فروشند. اصولا در چنین وضعیتی کودکان دختر کالایی ارزشمند برای فروش هستند. این در حالی است که فقر تنها به عوامل اقتصادی بر نمی گردد؛ خانواده هایی که دچار دو نوع فقر (فقر اقتصادی و فقر فرهنگی) هستند. کودکان خود را نظیر اسیر و وسیله خود می شمارند. بسیاری از کسانی که دچار فقر فرهنگی هستند هیچ نوع پیشرفت و سعی برای پیدا کردن استعداد کودکانشان نمی کنند. با تزویج کودکانش سعی دارند که خود به نون و نوایی برسند یا بخاطر باور های اشتباه از ناموس و ابروی خود محافظت کنند. سیاست های چندسال اخیر برای تزویج فرزند آوری باعث شده است که تمامی دخترانی که در سنین پایین ازدواج کرده اند بلافاصله بعد از آن نیر باردار شده و صاحب فرزند شوند؛ کودکانی صاحب فرزند می شوند بدون آنکه صلاحیت تربیت و نگهداری کودک را دارا باشند. این در حالی است که فرزند آوری در سنین پایین خسارات اقتصادی زیادی را به کشور های در حال توسعه وارد می کند. زیرا در این ازدواجها دختران زودتر باردار می شوند و در طول عمر خود فرزندان بیشتری به دنیا می آورند و این موضوع باعث کاهش توانایی خانواده ها در تأمین نیازهای اساسی خود می شود و از این طریق فقر در جامعه گسترش مییابد. اکثر کودک همسران تحصیلات خود را به پایان نرسانده اند و افرادی که تحصیلات اکادمیک و دانشگاهی ندارند نسب به علم روز و جامعه آشنایی کافی ندارند و همین دلیل باعث می شود که در این میان فقر فرهنگی نیز گسترش بیابد.

۶- آسیب های روانی کودک همسری

با گذر از تمام مباحث ذکر شده اصلی ترین مسئله آسیب های روانی است که کودکان در ازدواج زود هنگام به آنها دچار میشوند. بسیاری از این کودکان ترک تحصیل میکنند و فرصت تحصیل و کشف استعداد و آموزه های اجتماعی را از دست می دهند. چه



بسا دختران و حتی پسران با استعدادی که بخاطر ازدواج کشف نشده اند. نیاز های روانی کودکان در این پدیده اصولاً بی جواب می مانند. کودکانی که مجبور اند از عروسک ها و اسباب بازی های خود دل کنده و مسئولیت های یک خانواده را به دوش بکشند. کودکانی که علی رغم سن کم و ناتوانی بلوغ فکریشان مادر و پدری می شوند که وظیفه تربیت دیگر کودکان را به عهده دارند. از آنجایی که به غلط تنها فاکتور ازدواج بلوغ جنسی در نظر گرفته شده است اهمیت کمتری به بلوغ فکری داده می شود. در حالی که بلوغ فکری اهمیت بسیار زیادی نسبت به بلوغ جنسی برای داشتن یک رابطه سالم زناشویی دارد. وجود عواملی نظیر حق انتخاب؛ حق یادگیری؛ آزادی؛ درک و فهمیدن اثار و نتایج قرارداد ازدواج؛ آگاهی از بسیاری از مسایل جنسی و فکری و اخلاقی لازمه ازدواج و بسیاری از مسائل دیگر در کودک همسری نادیده گرفته شده اند. از نظر قانونی، کودک همسری با مشکلات زیادی همراه است، مشکلاتی مانند: جلوگیری از حق تحصیل کودک، جدایی کودک از والدین و خانواده، تعهد کودک پسر به پرداخت نفقه و به دنبال آن تعهد به اشتغال و کسب درآمد؛ و نیز تعهد کودک دختر به خانه داری و بارداری، عدم پشتیبانی و حمایت از کودک همسران ناشی از نبود دانش کافی، امکان خطرات و تهدیدات خشونت خانگی، نداشتن توان و اهلیت قانونی آنان برای طرح دعوی مختلف احتمالی ناشی از زوجیت است. فاصله گرفتن دختر خردسال از دنیای کودکی اش و دوستان هم بازی خود که به معنای ناتمام ماندن رشد عاطفی وی می باشد، افزایش زایمانهای مشکل ساز و یا عدم توانایی جسمی و فیزیکی کودک برای بارداری، تولد نوزادان کم توان جسمی و یا دارای سوء تغذیه، سقط جنین، مشکلات تربیت و نگهداری از کودکان، پدیدار شدن و یا به وجود آمدن طلاق های زودرس و افزایش کودک بیوه ها، نبود اطلاعات در مورد تنظیم خانواده و مسائل مرتبط با بهداشت باروری، به وجود آمدن مشکلات روانی از جمله افسردگی، اختلالات پانیک و به وجود آمدن وسواس، اضطراب، نبود بلوغ فکری و ایجاد مشکلاتی در رسیدن کودک به استقلال شخصی، از دست دادن قدرت برقراری روابط اجتماعی و تعامل با افراد هم سن و نبود فعالیتهای اجتماعی، رشد جنسی به صورت ناقص و ایجاد مشکلاتی در رشد اجتماعی و روانی و منزوی شدن از اجتماع و در نتیجه آسیب پذیری در مقابل آن تنها گوشه ای از تبعات جبران ناپذیر ازدواج در سن پایین می باشد. جامعه تشکیل شده از بزرگسالانی که حاصل ازدواج والدینشان در سنین پایین هستند؛ همان جهان سومی است که توسعه و رسیدن به زندگی مطلوب حلقه گمشده همیشه آن است. بزرگسالانی که کودکی شان در خانواده هایی که تنها نام خانواده را به یدک می کشد سپری شده؛ خردسالانی باقی می مانند بی تمایل به پذیرش نقش همسری؛ پدری؛ مادری؛ و حتی ناتوان در ایجاد یک رابطه سالم... و این چرخه معیوب ناتوان همان علف هرز کاشته شده با بذر کودک همسری است. بزرگسالانی که با والدین نا بالغشان؛ کودکی؛ نوجوانی و حتی جوانی ناتمامشان را در هیچ کجای جامعه افسار گسیخته کنونی نمی یابند. کودک همسری تنها ازدواج در سنین پایین و شروع یک زندگی کودکانه دشوار نیست؛ که ایجاد یک نسل معیوب طرد شده است. کودک همسری و هر پدیده ای که در آن ازدواج چیزی جز پیوند دو انسان آگاه مستقل باشد؛ نه تنها نشان افول تمدن آن جامعه است بلکه هر گونه رشد و نوآوری را از آن جامعه سلب خواهد کرد.

۷- طلاق و آثار روانی آن

مطالعات نشان می دهد که اکثر کودکانی که در سنین پایین ازدواج می کنند بیشتر از سایر افراد با پدیده طلاق مواجه می شوند زیرا برقراری پیوند زناشویی در سنینی که کودک هیچ درکی از تفاهم؛ همسر؛ مادر بودن؛ و سایر مقوله های لازم زندگی مشترک ندارد نمی تواند از بنیان یک خانواده محافظت کند. نرخ طلاق نیز در ایران در گروه سنی 10الی 18سال به طرز قابل توجهی بالاست. طبق آخرین داده های جمعیت شناختی 21149 دختر و پسر زیر 18سال در سال 1393 طلاق گرفته اند. طلاق یا ترک همسر اغلب دختران جوان را به فقر بیشتری گرفتار می سازد، زیرا او معمولاً باید به تنهایی مسئولیت فرزندانشان را بر عهده گیرد. از آنجا که اکثریت این دختران در سنین بسیار پایین و در حالی که فاقد تحصیلات بوده اند، ازدواج کرده اند، مهارت های کسب درآمد آنها بسیار پایین (اگر نه هیچ) بوده و در نتیجه به فقر بیشتر آنها دامن می زند.



از آنجا که در کودک همسری سن دختران معمولاً به طرز چشمگیری پایین تر از شوهرانشان است، آنها در سنین پایین تری مطلقه می شوند، بنابراین نسبت به زنانی که در سن بالاتری ازدواج کرده اند، ممکن است که چالش های اجتماعی و اقتصادی را در بعد عمیق تر و گسترده تری تجربه کنند. جوامعی که در آن ازدواج کودکان رایج است بیشتر مستعد طلاق های زود هنگام و کودکان مطلقه است. ملک شاهی، رئیس کمیسیون قضایی مجلس ایران اعلام کرد که ۷۰ درصد طلاق ها توافقی و مربوط به موارد ازدواج زود هنگام بوده است. بسیاری از این افراد به دادگاه شکوه میکنند که بسیار زود ازدواج کرده اند در حالی که هیچ ذهنیتی در مورد ازدواج نداشته اند و اکنون خواهان طلاق هستند. بالاترین میزان طلاق در میان دختران و زنان جوانی بوده است که در فاصله سنی ۱۰ الی ۱۹ سال قرار دارند و این مارا به این استدلال می رساند که طلاق در ایران بیشتر ناشی از ازدواج های زود هنگام است. آثار و تبعات طلاق در جامعه سنتی و مرد سالار ایران برای کودکان بسیار سنگین خواهد بود؛ مطلقه و یا بیوه بودن اصولاً عیب تلقی شده و از سمت جامعه مطرود می شوند. فرو پاشی روانی؛ خودکشی؛ فقر کودکان مطلقه از معدود اثراتی است که سراغ کودکان بعد از طلاق می آید. کودکانی که در تمام زندگی خود قربانی و اسیر فرهنگ و باور اشتباه بوده اند اکنون از سمت شریک زندگی خود نیز طرد یا اذیت می شوند. آمار خشونت خانگی و سوء استفاده جنسی در کودک همسری بسیار بالاست. ازدواج زود هنگام کودکان در زمانی که جامعه در میانه کشمکشها و مخاصمات اجتماعی است به عنوان یک مکانیزم دفاعی دیده می شود. زمانی که ناآرامی ها یا فجایع طبیعی در یک کشور اثر می گذارد دختران اولین کسانی هستند که لطمه می بینند. ریسک بالای سوء استفاده ی جنسی اغلب در مواردی دیده شده که دختر به همسری مردی داده شده که او نیز مانند خودش خردسال است. با عطف به خردسال بودن داماد، بدیهی است که دختر قادر نیست از محافظت های لازم برخوردار باشد، و این امر او را شدیداً در معرض آسیب های خشونتی، سوء استفاده های جنسی و بی احترامی از جانب مردان بزرگتر خانواده مانند پدر شوهر، برادران شوهر و عموها قرار می دهد

۸- راهکار های جلوگیری از کودک همسری

ازدواج زود هنگام کودکان یک بیماری اجتماعی است و تمامی بیماری ها را نمی توان با یک روش یکسان تسکین و درمان کرد. ازدواج زود هنگام کودکان هم علت و هم معلولی از خشونت علیه کودکان است. قدرت مسلط مردانه که امیال جنسی؛ باروری و شکل گیری کودک همسری را به عنوان گزینه ای برای فرار از فقر و خشونت بر مبنای جنسیت قرار می دهد، باید در نظر گرفته شود. راهکار این پدیده آسیب زا و مخرب باید به قدر کافی انعطاف پذیر باشد که بتواند تفاوت های ظریف را و اینکه چگونه در قلمرو جغرافیای هر منطقه جواب خواهد داد مورد توجه قرار دهد. در قدم اول اصلاح قوانین مصوب در خصوص سن ازدواج و عدم مشروعیت عقد کودکان در سنین پایین می تواند اقدام مثبت و اثر گذاری باشد آگاه سازی خانواده ها و نقش پر رنگ صدا و سیما به عنوان رسانه ای که تقریباً تمام اعضای خانواده مخاطب آن هستند نیز مفید خواهد بود. الویت و ارجحیت داشتن یک انتخاب درست بر ازدواج که همان حلقه گمشده و حیاتی در آغاز یک زندگی مشترک است. ازدواج در یک سن مشخص و تعیین بازه برای آن کلیشه های در مورد فرزند آوری و تعداد آنها و چهارچوب های این چنین بر کیفیت ازدواج پیشی گرفته اند فارغ از آن که مهم ترین مسیله در ارتباط دو شخص میزان نقاط مشترک و تشابهات روحی آنهاست. آنچه در عرف جا افتاده است چیزی جدای این اصول می باشد و جوانان خود را در یک مارا تون نا خوشایند گرفتار می بینند که جا ماندن از آن را نوعی فشار روانی بر خود احساس می کنند. شاید کمی دور از حوصله و شاید درک باشد اما چیزی به نام ازدواج به هنگام وجود ندارد. و هیچ نسخه تکراری ای برای تمام اشخاص یک جامعه مناسب نیست. همه افراد الزاما شرایط و صلاحیت والد شدن را ندارند. گاهی اوقات بعضی از اشخاص گزینه های مناسبی برای ازدواج نیستند و محصور شدن آنها در قالب همسر خروجی خوبی نخواهد داشت. ازدواجی که در میانسالی اتفاق بیوفتد به همان مراتب میتواند انتخاب درستی باشد که شخصی دیگر در جوانی به آن می رسد.



بحث و نتیجه گیری

با افزایش نرخ کودک همسری در عصر علم و تمدن آیا چنین آماری اسفناک نیست؟ این بحث بخاطر رشد ۱۰٫۵ درصدی ازدواج زودهنگام و آثار روانی و تبعات منفی آن در جامعه است. کودک همسری برای یک جامعه سیار مخرب است چرا که کودک با جدایی از دنیای کودکی با بسیاری از مفاهیمی نظیر شادی، آزادی، تحصیل در مقاطع بالاتر، استقلال و... غریبه می شود. کودکانی که بجای رشد و تکامل در بستر خانواده و محیط مدرسه، مجبور به ایفای نقش همسری می شوند بافت و آینده یک کشور را بر هم می زنند چرا که کودکانی که از این اشخاص متولد می شوند از ویژگی های بسیاری به علت کودک همسر بودن والدینشان محروم گشته و به همین ترتیب یک نسل به یغما و فروپاشی محکوم می شود. بعد های روانی در معقوله های ازدواج امری مهم است چرا که پیشبرد روند زندگی علاوه بر بلوغ جنسی به بلوغ فکری و الاتری نیازمند است. مواجهه عاطفی و کودکانه شان آنها را در مقابل بسیاری از مسائل زندگی دچار مشکل می کند؛ که باعث پیدایش آثار روانی نظیر گوشه گیری، افسردگی های شدید روحی، پرخاشگری به علت وجود خشونت خانگی و سایر مشکلات روانی دیگر می شود. همانگونه که بر همگان آشکار است آثار طلاق برای افراد بزرگسال بسیار آسیب بخش است، این در حالی است که ازدواج های زودهنگام آمار طلاق بالاتری نسبت به باقی آنها دارند که قربانیان آن کودک همسر هاست. دولت و سازمان های وابسته با برنامه های آموزشی میتوانند مردم را از تبعات منفی این پدیده آگاه و با فرهنگ سازی در جهت پیشبرد ممنوعیت این پدیده گام های اثر بخشی برداشته شود. از آنجایی که دین و رهبران دینی و سخنانشان بر مردم اثربخشی بسیار دارد درخواست ها و اطلاع رسانی و همچنین بیان آثار منفی کودک همسری در مجامع دینی کشور میتواند از این پدیده جلوگیری کند.

منابع

- ۱- اسدپور، عهدیه، کمالی، افسانه، سفیری، خدیجه، فهم مسئله ازدواج در دوران کودکی از نگاه کودکان، ص ۱۸۴، ۱۸۵.
- ۲- احمدی، کامیل؛ ۱۳۹۸ طنین سکوت: پژوهشی جامع در باب ازدواج زودهنگام کودکان در ایران، چاپ دوم، تهران: نشر شیرازه؛ ۲۶، ۴۱، ۲۸.
- ۳- محبوبه، مینا، کریمی خنجری، فرزاد، عوامل موثر بر ازدواج کودکان، فصلنامه علمی (مقاله علمی پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران، سال سوم شماره چهارم (پیاپی) ۱۲ زمستان ۱۳، ص ۲۶۵۹، ۲۶، ۲۰.
- ۴- evaluation of the sexually abused child: A medical textbook atlas
- ۵- Adams, Joyce A.; Bot ash, Ann S.; Kellogg, Nancy (2004).
- 6- Kellogg, Nancy D.; Menard, Shirley W.; Santos, Annette (2004).
- ۷- 'Virginity testing': a human rights violation, with no scientific basis



Child Marriage in Iran's Legal System Based on Mental Health

Sanam Adibi Far

Bachelor's Student, Faculty of Law, Payam Nour Maragheh University, Maragheh, Iran
sanamadibifar79@gmail.com

Mukhtar Bidarvand

Lecturer, Department of Law, Payam Nour Maragheh University, Maragheh, Iran (Correspondent Author)

mokhtar.bidarvand@ymail.com

Mohammad Mehdi Dadashi Chekan

Lecturer, Department of Law, Payam Nour Maragheh University, Maragheh, Iran
mahdidsh@yahoo.com

Abstract

Background & Purpose: The mentioned article is related to child marriage in Iran's legal system and its causes and psychological factors. The information obtained from other scientific articles and books as well as objective observations of the society context in this field have been collected and analyzed.

Research Method: In this article, psychological traumas in married children have been investigated with a descriptive-analytical method and in a library format.

Findings: Currently, child marriage in Iran is facing a growth of 10.5%. Researches indicate that children who are victims of this phenomenon are deprived of many of their rights due to marriage and it causes many and sometimes irreparable damages to children and society.

Result: The research shows that the factors affecting child marriage have many negative effects on the mental, psychological, social and physical conditions of the child. In this article, by examining the causes and factors of child marriage and its psychological consequences in children, domestic and sexual violence, practical and civil solutions to prevent early marriages have been discussed.

Keywords: Wife's Child, Children's Rights, Marriage